



۲۰۱۴/۱۱/۲۷



قیس کبیر ۱ صالحه و هاب و اصل ۲

چند نکته مهم و مبهم در ارتباط به زبان

قبل از دوام سلسله مقالات ما در ارتباط با زبان و تکنالوجی، لازم است در باره نکات چند روشنی انداخته و پیشنهاداتی پرداخته شود که مستقیم، یا غیر مستقیم به ما راجع گردیده است.

ادخال سیاست در ساحه زبان

زبان در ساحات و عرصه های مختلف ابعاد متفاوتش را نشان داده، نقش بازی میکند. یکی از ابعاد زبان که بُعد سیاسی آن است، ارتباط مستقیم می گیرد با اقتصاد همان محوطه. یعنی بُعد سیاسی زبان در یک کشور مانند هر پدیده دیگر، متأثر است از علایق اقتصادی کشور مزبور و کشور های ذیدخل، هر قدر بُعد اقتصادی بلند باشد به همان اندازه بُعد سیاسی سنگین تر است، تا حدی که بعضاً این بُعد سیاسی منطوقی گردیده از سرحدات آن کشور فرا تر میرود. مثالهای ساده و واضحی درین ارتباط میتواند کشت زعفران، استخراج معادن، آب دریای کنر و بند سلما در هلمند باشد.

کشور همسایه ایران امروز افغانستان را در عرصه کشت زعفران از بزرگترین رقبای خود در مارکیت بین المللی میداند که حق به طرف هم است، زیرا زعفران افغانستان در زمره با کیفیت ترین زعفران جهان بشمار میرود. اعمار بند سلما که یکی از بزرگترین وسایل انکشاف زراعت و برق در افغانستان محسوب می شود امروز نظر به

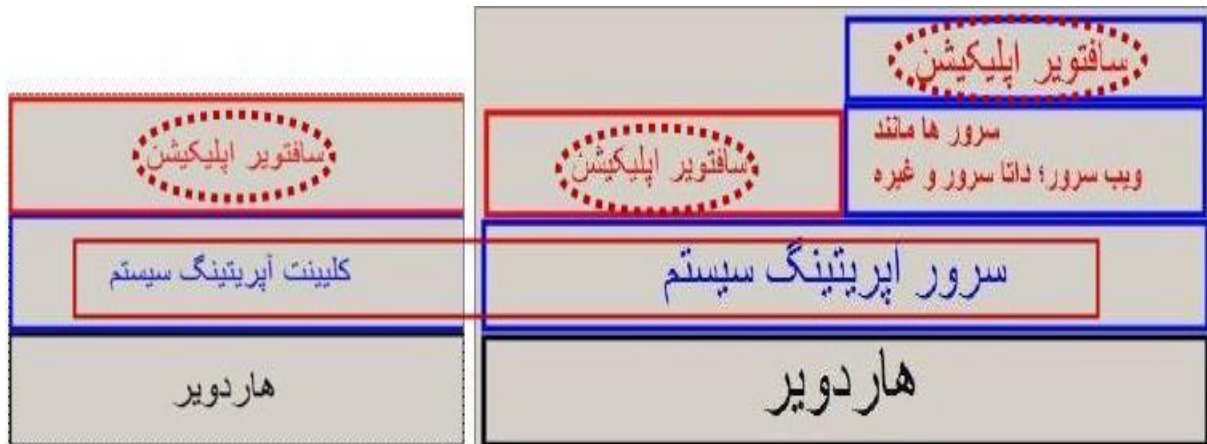
اینکه چرا بُعد اقتصادی و به اساس آن بُعد سیاسی یک زبان وزین تر میگردد، با مثال ذیل شرح میکنیم.

آپریتینگ سیستم ها نه تنها برای اداره و منجمنت «هاردویر Hardware»، وظیفه دارد، بلکه در عین زمان تنظیم «سافتویر اپلیکیشن ها Software Applications» را نیز اداره می کند؛ بناءً سافتویر ها نیز در تطابق با آپریتینگ سیستم ها انکشاف یافته و به هدایت آنها عمل می نمایند.

زیر بنای ادغام زبانهای جهان در سافتویر اپلیکیشن ها، بعد از ادغام زبان های ان پُت (Input) و دسپلی (Display) در آپریتینگ سیستم های جدید، اساس گذاری شده و امکان تعویض زبان ها Switching را به معنی

• “Multi Language Operating Systems”

میسر میسازد.



د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

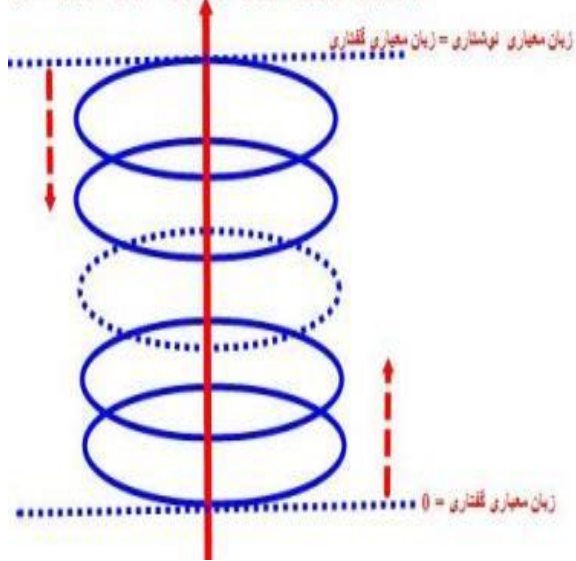
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

ادغام یک زبان در آپریتنگ سیستم ها تهداب و پایه ادغام همان زبان را در سافتویر ها مهیا می سازد. در این حالت به هزاران هزار پروگرام های کاری، علمی، زبانی، تدریسی،... بازی های کمپیوتری و... برای کمپیوتر ها، سمارتفون ها، PC-Tablets و دیگر ماشین آلات با امکانات جدید زبانی انکشاف داده می شوند که امکان هزاران هزار شغل و حرفه برای باشندگان مهیا می شود، که نه تنها از نگاه اقتصادی برای آن کشور مفید میباشد بلکه از نگاه زبانی، تخنیک، فرهنگی و حتی علمی..

یکی از صد ها عوامل سیاسی دیگر ناکامی درین عرصه ها پسمانی و عقیم بودن زبان ما در میدیا و تکنالوجی همگانی و اطلاعاتیست. زیرا یک افغانستان ضعیف با فساد اداری از حد بالا و زبان عقیم لقمه چربیت برای شکم های گرسنه همسایگان ما.

ایران میخواد جهت کنترول، حاکمیت و انحصار زبان فارسی خود در منطقه برای «آپریتنگ سیستم ها» و «سافتویر اپلیکیشن ها Software Applications»، از هر امکان و هر فرصتی استفاده کرده و میکند که در صورت مؤفقت شان نه تنها از نگاه اقتصادی، تخنیک و علمی بلکه از نگاه فرهنگی هم حاکمیتش را تثبیت بکند. نسل جوان کشور با تعویض زبان **دیسپلی** به فارسی ایران دیگر طوطی وار اصطلاحات فارسی ایران را آموخته و با آن مکالمه خواهند کرد. **دیگر دلایل منطقی زبانی، چه تاریخی، چه جغرافیایی و یا علمی و ادبی و... تأثیرگذار نخواهد بود.** ابزار کاری مانند **قاموسونه** «اصطلاحات زبان فارسی ایران به کلمات و اصطلاحات زبان دری» مورد استعمال خود را از دست می دهد. یگانه راه نجات استاندارد سازی زبان های ملی افغانستان است که علاوه بر ملت سازی در اجتناب از تهاجم فرهنگی بیگانگان نقش بسزایی را باز میکند. البته آنهم در صورتیکه **حکومت ملی** بتواند قوانین میدیا را قاطعانه و جدی تطبیق نماید والا اگر حالت به همین منوال دوام پیدا کند باید جنازه سخن خوانده شود. چندی قبل در سال ۲۰۱۳ شعری سروده بودم به ارتباط مرگ و نابودی زبان دری که فکر میکنم درین مقطع این مقاله خوب تطابق میکند. برای مطالعه شعر بالای لینک ذیل کلیک کنید. **جنازه سخن**

زبان استاندارد یا معیاری (W,X,Y,Z) زبان معیاری نوشتاری = زبان معیاری گفتاری



زبان استاندارد یا معیاری

در سیستم استاندارد سازی مدرن زبان باید نحوه ای استاندارد سازی مکالموی و کتبی (افهام و تفهیم) را بین انسان با انسان و انسان با ماشین، تفکیک کرد.

انسان با ماشین

• زبان «دیسپلی» و معلومات بخشهای کمکی در سیستم ها و ترجمه سافتویر ها باید صد در صد با **استندرد نوشتاری** مطابقت داشته باشد.

• در تکنالوجی «گفتار به نوشتار» (TTS Text to speech) و «نوشتار به گفتار» (Voice recognition) همچنان باید تطابق کلی با **استندرد گفتاری** وجود داشته باشد.

انسان با انسان

زبان معیاری یا استندرد گفتاری از صفر تا صد نظر به اوضاع و شرایط متغیر بوده و تابع عوامل مانند اشخاص مخاطب، محل مکالمه و موضوع مورد بحث با شخص سخن پرداز میباشد مثلاً: کی، در کجا، با کی،

راجع به کدام موضوع در حال صحبت است. تعیین حد نزدیکی گفتار به استندرد نوشتاری و بر عکس آن ارتباط می گیرد به همین عوامل متغیر مذکور. که شما این تغییرات را در شکل (۲) در قالب حلقوی از پایان به بالا و بر عکس آن مشاهده می فرمائید.

بطور مثال لکچر یک پروفیسور پوهنتون به محصلان را اگر مثال قرار دهیم به خوبی میتوانیم ببینیم که پروفیسور هنگام صحبت در صنف درسی مجبور است کاملاً با استندرد بلند نوشتاری و گفتاری صحبت و مکالمه کند. در حالیکه همین پروفیسور زمانیکه به خانه و کاشانه اش بر می گردد با همسر و فرزندان با زبان و لهجه

همیشه‌گی اش صحبت و مکالمه می نماید که بین این دو نوع صحبت و مکالمه پروفیسور تفاوت بسیار زیاد موجود میباشد زیرا نکات متذکره بالا از قبیل، اشخاص و محیط و موضوع در هر دو حالت از هم فرق فاحشی دارند.

شرح:

کی = پروفیسور

کدام محل = پوهنتون و خانه

با چه کسی = محصلان (داخلی و خارجی) پوهنتون و خانواده،

چه موضوعی = لکچر علمی در پوهنتون و یا غذای شب فامیلش

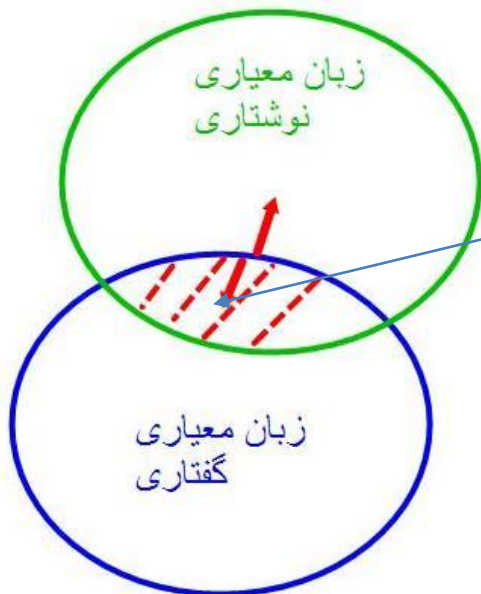
و یا همچنان اگر یک سیاستمدار را مثال قرار دهیم که در میدیا در حال سخنرانی میباشد مجبور است در استعمال جملات و کلمات با استندرد نوشتاری صحبت کند زیرا رسانه اجتماعیست و زبان باید به استندرد سر تاسری تطابق داشته باشد که برای همه ملت است. اما اگر همین شخص سیاستمدار در یک ولایت و یا قریه یا شهر کوچکی که یک گروپ کوچک مخاطب اوست، سخن رانی کند درین حالت او در استعمال جملات و کلمات دست نسبتاً آزاد تری دارد و آن به این معنی که جهت افهام و تفهیم بهتر از بعضی اصطلاحات و کلمات عامیانه با لهجه های مربوط همان منطقه میتواند استفاده کند تا موضوع مورد بحث برای همه قابل درک باشد.

استندرد سازی را نمی توان فقط با یک بخش

نوشتاری و یا گفتاری محدود ساخت و یا به عباره دیگر تقسیم نمود، زیرا این دو بخش با هم وابسته بوده و جدایی آن بصورت کل درست نیست. استندرد گفتاری و استندرد نوشتاری با هم یک ساحه اتصال دارند که بزرگی و کوچکی این ساحه تابع عوامل متفاوت بوده و همیشه در

(زبان معیاری نوشتاری) = F زبان معیاری گفتاری

در سیستم تکنالوجی زمانیکه هر دو دایره (زبان معیاری نوشتاری بالای زبان معیاری گفتاری) قرار می گیرد (ساحه اتصال در حد نهایی می رسد) یعنی زبان معیاری گفتاری مساوی با زبان معیاری نوشتاری میگردد. کوچکی و بزرگی ساحه اتصال هنگام مکالمه نظر به دلایل متذکره بالا جهت افهام و تفهیم متغیر و متفاوت بوده فرق میکند یعنی هر قدر بزرگتر باشد به استندرد قریب تر است و هر قدر ساحه کوچک باشد، صحبت از حالت معیاری بودن دور تر میگردد.



متخصصین علمی زبان شناسی

وقتی در باره زبان سخن گفته میشود، نظراتی قدعلم میکند که مثلاً این موضوع فقط مربوط میشود به متخصصین زبان، زبان شناسان و ادیبان. در حالیکه به اساس تشنجات و بحرانات تاریک در کشور و تهاجمات از جانب بیگانگان در سه دهه اخیر، تفکیک و شناخت دقیق نخبگان متخصص و زبان شناس دشوار میباشد. چرا؟ زیرا ما دید شناسا از متخصصین قبل از بحرانات و بعد از بحرانات افغانستان نداریم. کسانیکه به حساب سی الی چهل سال قبل منحصیث متخصصین زبان فعالیت میکردند بدون شک تخصص شان را داشتند اما تخصص زبانی چهل سال قبل شان برای زبان امروزی کفاف نمی دهد. ولی آنانیکه الحال خود شان را متخصصین زبان معرفی می نمایند. شک درین است که این محترمین در کجا تخصص گرفته اند و این تخصص شان تا کدام حد مدار اعتبار است.

اگر متخصصین متأثر از فرهنگستان ایران باشند که برای ما بدرد بخور نیستند ولی اگر از خود افغانستان باشند باز هم با تأسف سطح آموزشی در سه دهه اخیر آنقدر در حال نزول بوده که نمی توان بالای آن حساب کرد. اما؛ هستند شخصیت های دانشمندی که نظر به تجربیات و مطالعات متداول و طولانی شان در عرصه ادب و

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

فرهنگ کشور طرق نوشتاری و گفتاری زبان دری را به حد کافی میدانند و فوق العاده اندوخته های شان برای ما مثر واقع میگردد.

قابل یاد دهانیست که چون هدف عمده این مقالات راه حل مشکلات زبان های ملی ما در تکنالوجیست ازینرو در عرصه تکنالوجی اطلاعاتی ضرورت اشد به تخنیکران تکنالوجی زیاد تر میافتند تا زبان شناسان متخصص. زیرا ما شناخت زبان را که مربوط تاریخ میشود هدف قرار نداده ایم بلکه دشواری های تخنیکی آنرا مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. آنهم همانا استندرد سازی زبان به کمک مثلث وحدت (حکومت ملی، متخصصین زبان و تخنیکران تکنالوجی) که می تواند از یک جهت ممد در ملت سازی شود و جهت دیگر از تهاجم زبانی دیگران جلوگیری کند.

بعضی از سؤالاتی که بعد از نشر مقالات مشترک ما در اذهان بعضی از دوستان و همکاران قلمی ما خطور نموده و به ما راجع ساخته اند.

بعد از نشر مقاله قبلی ما زیر نام (چرا ایجاد کیبورد دری ضرور است) برای تعدادی از دوستان ما سؤالی ایجاد گردیده بود، در صورتی که کیبورد پشتو دارای حروف دری هم باشد، چی ضرورت میافتد به ایجاد یک کیبورد دیگر زیر نام (کیبورد دری)، در حالیکه میشود در سیستم کمپیوتری بجای کیبورد پشتو (کیبورد افغانی) درج شود که شامل هر دو زبان دری و پشتو بوده مورد استفاده هر دو قرار گیرد. دلایل عمده پیشنهاد ما قرار ذیل است:

- جاهای حروف در کیبورد پشتو فرق دارد.
- (ه) هی گردک همزه دار در کیبورد پشتو وجود ندارد زیرا در زبان پشتو مورد استفاده ندارد.
- برای نوشتن (گ) هم ضرورت ب سوچ کردن دکمه (AltGr) میشود. در حالیکه حرف (گ) را که ضرورت حتمی در نوشتار دری است که به روی کیبورد باید داشته باشیم
- اگر پیشنهاد حرف جدید «V» در فارسی یعنی «ف» با سه نقطه مقبول خاطر همگان قرار گیرد در آنصورت هم کیبورد دری شکل دیگری را بخود میگیرد که حتمی بودن موجودیت آنرا تصدیق میکند.

نا گفته نباید گذاشت که دلایل درج در بالا برای کیبورد دری صرف پیشنهادیست جهت سهولت در نوشتار زبان های دری و پشتو، که هدف اساسی را تشکیل میدهد. ولی تصمیم گیری نهایی در هر حالت به دست مراجع مقتدر دولتی و مسئولین ذیصلاح درین عرصه خواهد بود. نکته قابل یاد دهانی دیگر هم اینست که تبدیل کیبورد مجازی از یک زبان به زبان دیگر سهل است زیرا حروف و مکان دکمه ها از طریق سافتویر تعویض می شود اما در تخته کلیدی (کیبورد) قابل لمس که در کمپیوتر مورد استفاده ما نصب است و با آن مینویسیم، حروف بالای دکمه ها حک شده اند که متأسفانه حروف کیبورد از طریق سافتویر تغییر نمی کند.

بعضی از همکاران قلمی ما به این عقیده اند که کلمات خارجی بطور مثال انگلیسی وقتی که به حروف دری نوشته میشود باید به همان معیاری نوشته شود که با حروف لاتین نوشته شده مثلاً استندرد (Standard) و یا استراتیجی. دوستی نوشته بودند که ما نمی توانیم که (استندرد) را با الف شروع کنیم بلکه باید با حروف دری چنین نوشته شود «ستندرد». قسمی که ما همه میدانیم کلمات با استعمال حروف اول یا صدادار آهنگین می گردند و حروف سامت بدون حروف صدا دار تلفظ شان مشکل و بی مفهوم است و حرف «س» در کلمه «ستندرد» در شروع سامت و بی صداست لهذا ما مجبوریم این «س» را به کمک علامات فارقه (فتحه، کسره و ضمه) به سه حالت تلفظ کنیم (سبتندرد، ستندرد و یا ستندرد) که هیچ کدام آن معنی «استندرد» را ارائه نمی کند و اگر ما بخواهیم که حروف انگلیسی را برای ادای تلفظ بهتر به حروف دری نوشته به کسی بیاموزیم مجبور هستیم حروف سامت و صدا دار را با هم یک جا کرده، ادای تلفظ حرف انگلیسی را با آواز بیرون دهیم مثلاً: ای (A) اس (S) که (K) دی (D) وای (Y) اِکس (X) و امثالهم. این حروف در انگلیسی یک حرف اند اما در زبان ما با دو الی سه حرف باید نوشته شوند تا به صورت درست تلفظ گردند. لهذا کلمه استندرد که در انگلیسی با اس شروع می گردد در زبان دری به هیچ وجه نمی تواند با سین شروع گردد. حتی اگر متوجه شده باشید چون «س» یک حرف سامت است ما مجبور هستیم حتی برای شناخت و تلفظ بهتر خود «س» از «ی» و «ن» کمک بگیریم تا سین را تلفظ کنیم. مثال دیگری برای الف ماقبل کلمه یا اسم، اسم محترم اسپانئا که به انگلیسی مینویسیم «Spanta» اما در افغانی مینویسیم «اسپانئا» اگر

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولی

این اسم بدون الف ماقبل نوشته شود باید به کمک سه علامه فارقه (فتحه، کسره و ضمه) میباشد تلفظ گردد مانند: سَپِنْتَا، سَپِنْتَا، سَپِنْتَا که همه به وضاحت می بینیم که اسم علاوه بر این که کیفیت صوتش را از دست میدهد معنی آن هم مطلقاً تغییر میکند به عبارت دیگر بی معنی میشود.

حروف با آهنگ های آن در دیتابیس صدا، شناسایی می شود. ازین رو باید ادای تلفظ حروف قسمی صورت گیرد که در آینده سیستم را در شناخت حروف و کلمات متردد نسازد. چطور میتواند تکنالوجی «نوشتار به گفتار» فرق بین تلفظ ستندرد، ستاره و ستراتیجی را بکند؟ یعنی که ستاره را با سین شرع کرده درست تلفظ کند و ستندرد و ستراتیجی را هم با سین شروع میشود، درست یعنی «استندرد» یا «استراتیجی» تلفظ کند؟

- سؤال دیگری که ما چه ثبوتی داریم برای هجوم فرهنگی بیگانگان و همسایگان ما بر زبان دری، در حالی که این تهاجم و تجاوزات تا حدی عیان و آشکار است که اصلاً ضرورت به اثبات این کار نمی رود. طریق گفتار نطقان در شبکه تلویزیونی طلوع، استعمال بیش از حد کلمات معمول ایرانستان به جای کلمات اصیل و زیبای دری تبلیغات و ترویج سیستم های کاری در رسانه ها به شیوه رسانه های ایرانی، انحصار وزارت کلتور و فرهنگ و دیگر ارگان های دولتی توسط جیره خواران افغانی از جانب ایران و کوشش انحصار زبان دیسپلی کمپیوتر و کیبورد فارسی، که همه و همه دلایل بسیار قوی برای این ادعاء میباشد.

نکته مهمی که قابل یاد دهانی میدانیم اینکه اکثر دوستان گرامی ما در مقالات گذشته ما متوجه شده باشند که بعضی از کلمات به وام گرفته از زبان های غرب خصوصاً انگلیسی را در زبان دری مانند: تکنالوجی، استراتیجی، بیولوجی، فیزیولوجی، جورنالیست، جنرال و ده ها کلمه دیگری که با (G) با صدای «ج» در زبان دری اداء میشود، ما قبلاً با «ژ» مینوشتیم مثل: تکنالوژی، بیولوژی، ژورنالیست، فیزیولوژی، ژنرال و...و...اما در مقالات اخیر همه را تصحیح کرده با «ج» مینویسیم. طبعاً این تغییراملاتی و تعویض حرف «ژ» به «ج» علتی داشته و آن اینکه کلمات اعم از علمی تخنیکی، آی تی (IT) و امثالهم از زبان انگلیسی به وام گرفته شده و در اثر استفاده زیاد در محاورات ما معمول گردیده و آهسته آهسته داخل زبان ما گردیده است. چون ما که شاید در اثر سهل انگاری و یا عدم توجه و تدقیق، متوجه این نکته نشده بودیم که در انگلیسی هیچ کلمه به آواز «ژ» تلفظ نمی شود. ازینرو حسَب عادت تعقیب طوطی وار ما از رسانه ها، ما را نا آگاه وادار میساخت که به «ژ» بنویسیم. اما حالا که متوجه مشکلات تخنیکی زبان ما در تکنالوجی اطلاعاتی گردیدیم و تعمق کردیم، اولین کاری که سعی کردیم بکنیم شروع تغییر و اصلاحات از خود ما بود که ما باید خود درست بنویسیم. زیرا در استندرد سازی زبان نکته بسیار مهم همین است که باید از یک روش نوشتاری و گفتاری پیروی گردد نه از دو سه روش که کسی کلمه را با «ج» تلفظ و نوشته کند و کسی هم با «ژ». اگر چه بعضی از این کلمات در فرانسوی هم موجود است و به جای صدای «ج» با صدای «ژ» در تلفظ با تفاوت ادای کلمه بیرون داده میشود فرق میکند، کلماتی که از انگلیسی گرفته شده زیرا همه کلمات در هر دو زبان انگلیسی و فرانسوی همسان نیست. مثلاً جنرال که ما آنرا جنرال تلفظ می کنیم چونکه از انگلیسی به وام گرفته و اکنون در زبان های ملی ما با همین طرز تلفظ ادغام گردیده است و در انگلیسی هم جنرال تلفظ میشود در حالیکه در فرانسوی (ژنیرال) تلفظ میشود.

اظهار امتنان و سپاس داریم از استاد گرانقدر ما جناب هاشمیان صاحب که از آغاز این مبحث مقالات ما را در ارتباط با زبان، پی هم مطالعه و مورد بررسی علمی از نظر زبان شناسی قرار داده اند و در ضمن مشکلات و دشواری های تخنیکی موجود در عرصه زبان و عواقب وخیم اقتصادی و فرهنگی آنرا درک نموده، با اظهار نظر های شان ما را پشتیبانی نموده اند. امید میبریم تا در آینده های دور و نزدیک باز هم در صورت لازم ما را از تجارب و اندوخته های مفید و مثمر شان مستفید سازند. اگر چه ایشان از نظر فهم و دانش سزاوار توصیف های زیاد استند اما نظر به خواست و خواهش خود شان از گرفتن القاب مختلف مانند خدای زبان شناسی و متخصص و عالم و دانشمند در کنار اسم مبارک شان اجتناب نمودیم و آرزو داریم که ایشان هم ازین به بعد ما را «دانشمند» که یک لقب بسیار بزرگتر از آنست که ما در سایه آن قرار بگیریم، خطاب نکنند. زیرا دانایی ما در عرصه زبان شناسی در حد بسیار محدودی میباشد تا عرصه تکنالوجی و ادبیات دری.

د پانوی شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

جا دارد که از نوشته دانشمند گرامی محترم سراج وهاج هم درین مقطع مقاله یاد آوری گردد که علاوه بر محتوای مفید و عالمانه اش به روش بسیار واضح و خوانا با استفاده از اعراب و علامات فارقه، نوشته شده بود که میتواند یکی از جمله بهترین کاندیدات برای تکنالوجی «نوشتار به گفتار» باشد.

جناب دوست محمد یکی از علاقمندان افغان جرمن آنلاین مقاله ای تحت عنوان «[قابل توجه استاد بزرگوار جناب دکتر سید خلیل الله هاشمیان](#)» نشر کردند. ایشان اشارات بخصوص در مورد چگونگی استعمال نام های وزارت های داخله و خارجه دارند و مشکل آنرا در پشتو می بینند و استدلال می نمایند زمانیکه این کلمات عربی بصورت مشترک بین دری و پشتو قابلیت فهم دارد بناءً ضرورت استعمال «د کورنیو چارو وزارت» و «د باندنیو چارو

باید گفت که اسمای «د باندنیو چارو وزارت/د بهرنیو چارو وزارت» و امثالهم مقبولیت عام یافته و حتی در این کلمات در قاموس های مختلف ذکر است از جمله قاموس چهار جلدی پښتو – پښتو تشریحی قاموس چاپ اکادمی علوم افغانستان.

حقیقت این است که اگر دانشمندان و نویسندگان زبانهای دری و پشتوی کشور، خود دست به ابتکار تولید کلمات مثلاً «کارشناس کلمه مورد استعمال در ایران» به «کار پوه در پشتو» ترجمه شده در حالیکه کلمه «متخصص» و یا «صائب نظر» معنی رساتر نسبت به هر دو کلمه یاد شده دارد. همچنان کلمه «نخست وزیر» که به «لومری

در صورتیکه کنترل استعمال کلمات تولید شده در زبانهای داخلی مملکت بدست خود افغانها باشد، میتوانند جلو بگیرند، اما اگر این اختیار به دست بیگانگان و متهاجمین باشد که به شکل تحمیلی بر مبنای اهداف سیاسی شان بالای ما تحمیل گردد، در آنصورت کنترل و جلوگیری آن در صورت عدم وحدت و همبستگی ملت و دولت نا ممکن میشود.

در اخیر از همه هموطنان فرهنگ دوست ما که ضمن مقالات، اظهار نظر ها، ایمیل ها و هم تیلیفونی با پیشنهادات و انتقادات آباد کننده شان ما را درین راه یاری رسانیده، مدد واقع گردیده اند سپاس گذار هستیم. بصورت اخص جناب انجنیر سیدال هومان که پیشنهاد شان را در ارتباط با کیورد دری/ پشتو در مقالات آینده مورد غور قرار خواهیم داد.

تفهیم مرام:-

بقول معروف گفته میشود که سه زبان افغانستان، تاجکستان و ایران دارایی منشاء مشترکند که بر مبنای تأثرات محیطی، کلتوری، فرهنگی و جغرافیایی منحصر به هر مملکت تغییر نموده، همچو شاخه های یک درخت با ریشه قوی و با قدامت در اثر انکشاف و بزرگ شدن از هم فاصله گرفته دور میشوند، که البته ما هم این عقیده و طرز تفکر را رد نمی کنیم، زیرا این حالت تکامل و تغییر در زبان های هم ریشه همانند خلقت و پیدایش انسان است که اگر آنرا از نظر دینی و مذهبی مورد مطالعه و تدقیق قرار دهیم آدم و حوا بهترین مثال آن بوده میتواند و اگر از نظر اتنالوجی مطالعه گردد خلقت بشر برای اولین بار در افریقا را میتوانیم به گونه مثال یاد آوری کنیم.

زیرا خلقت بشر هم فقط با حوا و آدم آغاز گردید و امروز به میلیارد ها انسان تزیید یافته است و یا فقط در افریقا هست شده است اما امروز در تمام کره خاکی زمین موجود بوده و زندگی میکنند. این پراکنده شدن انسان در جغرافیای از هم جدا به نژاد های سرخ، سفید، سیاه و زرد با مشخصه های متفاوت اقلیمی و جغرافیایی تغییر کرده است. زبان نیز عین تغییر و شاخصه را از محیط خود بدست می آورد و تغییر میکند.

خصوصاً این تفاوت بین دری افغانستان و فارسی ایران، بعد از آغاز استعمال «ی» اضافی به جای همزه «ء» و استعمال «ن» به جای تنوین در روش نوشتاری جدید ایرانی ها توسط ایرانی ها سبب تفاوت فاحشی بین این دو زبان هم ریشه گردید، خاصناً پروژه حذف کلمات و اصطلاحات عربی به منظور پاک و خالص سازی زبان فارسی به خوبی مشهود است. استعمال لغات نامأنوس و مضحک جدید ایرانی به جای کلمات عربی مانند (کارشیوه به جای طرز العمل) (تارنما به جای وبسایت)، (رایانه به جای کمپیوتر)، (چالش به جای مشکل)، (چامه به جای شعر) و امثالهم.

یقیناً طرح و به کرسی نشاندن پلان جدا سازی زبان عربی از فارسی کار پان ایرانستان های زردشتی مذهب ایرانی است که با استفاده از هر نوع امکانات و ابزار دست داشته سعی به خرج میدهند تا جبراً آنرا بالای مردم مسلمان ما قبولانده تحمیل کنند. بدین ترتیب تحت عنوان «سچه سازی زبان» یکی از اهداف شوم شان که مداخلات

د پانو شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

غير مستقيم مذهبي و چيزي هم كشاندن به سمت و سوي مذهب زردشتي است، در عمل پياده سازند. همچنان ببينيد كه اين پان ايرانستان هاي زردشتي، بازي به اصطلاح «يك تير و دو فاخته» را به راه انداخته اند، كه عواقب مفيد اين پلان براي زردشتي هاي ايران و عواقب نقص بار براي مردم افغانستان راجع ميشود. بدین معنی كه:

بدرجه اول جدا سازي زبان دري از زبان پُر بارعربي يعني عقيم ساختن زبان و دست درازي به آن است، ثانياً جدا سازي و دور ساختن كلمات پشتو از زبان دري است كه ايرانستاني ها به مرام نفاق اندازي بين اقوام افغان (پشتو زبان و دري زبان)، تخم نفاق مي پاشند و كلمات مدغم دري در پشتو و پشتو در دري را كه هر دو زبان هاي ملي خودما (ملت افغان) است، ميخواهند از هم جدا سازند. البته اين سعي و كوشش اين زردشتي هاي ايرانستاني بالاي كلمات انگليسي كه در زبان هاي ملي ما ادغام گرديده، همچنان نقش بسزايي دارد، زيرا لغات بشماري را كه زبان ما از انگليسي به وام گرفته است. خاصتاً اسماي تخنيكي، ماشين آلات، وسايل تكنالوجي و رتبه هاي نظامي و امثالهم. اگر آنها را به نام زبان بيگانه از زبان خود دور سازيم، به يقين كه زبان ما را عقيم و ناقص مي سازد. طبعاً وقتي افانها زبان عقيم دارند انحصار فرهنگ و زبان در اتوماتيك به دست ايراني مي افتد.

پايان

۱- مؤلف اين نوشته در پوهنتون-KIT "انستيتوت كارلسرو براي تكنولوژي" در رشته الكترو تخنيك تحصيل كرده و اكنون به حيث ديپلوم انجنير در كمپني زيمنس Siemens AG در امور سيستم هاي اتوميشن Automation Systems كار مي كند. او همزمان انجنير سيستم هاي ميكروسافت MCSE بوده و «عضويت شيكه انكشافی MSDN» آن را دارا مي باشد. وي علاوه بر نويسندگي، عضو هئت مديره و يك تن از متصديان پورتال **افغان جرمن آنلاين** نيز مي باشد.

۲- مؤلف اين نوشته با تحصيلات مافوق ليسانس در رشته تجارت و ماركيتهنگ در افغانستان، بعد از اخذ ديپلوم نرسنگي در هالنند منحيث كدر نرس درين کشور ايفاي وظيفه ميكند. علاوه بر عضويت اداري شركت او فونديشن (OFoundation)، رئيسه كمسيون زنان در(UVAVIN) اتحاديۀ مهاجرين افغانهاي هالنند بوده و يكي از اعضاي فعال هيت مديره **افغان جرمن آنلاين** مي باشد. خانم واصل علاوه بر شاعر بودنش، ديژيتال ديزاينر، نقاش و نويسنده بوده، تا کنون دارنده ۱۷ اثر ادبي است.

د پايو شميره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ